

یا رویکرد منفی نسبت به متون مقدس در آن وجود داشت که از نتایج دوران روشنگری و جنگ مذهبی اروپا بود. علمای زبان‌های کهن و برخی از الهی‌دانان لیبرال به بررسی عهد عتیق و عهد جدید به شیوه تاریخی و زبان‌شناختی پرداختند که درباره سایر متون و نیز موضوعات کهن به کار می‌رفت.

در اینجا به دنبال بررسی تأثیرات این مطالعات بر ادیان یهودیت و مسیحیت نیستم بلکه با این اشارات کوتاه می‌خواهم بگویم که نباید چنین پنداشت که علمای لغت و خاورشناسان در مطالعات بعدی خود با اسلام و قرآن از عهدین هم‌دلانه‌تر برخورد کرده و آن‌ها را مورد نقد تاریخی و ادبی قرار ندهند. این فقط به سبب رسوبات باقیمانده از گذشته اسلام‌شناسی نیست بلکه به سرشت روش‌های زبان‌شناسی تاریخی نیز باز می‌گردد. آن‌ها غزل‌ها یا موعظه کوه را نه به‌مثابه متونی ساختارمند بلکه مجموعه‌ای از واژگان وام‌گرفته یا برساخته یا ترکیبی از این دو شناخته و بیش از آنکه به جهان اصطلاحات و حکایت و نکات اخلاقی آن توجه کنند، به مطالعه ریشه‌ها و تاریخ آن‌ها می‌پرداختند.

قداست‌زدایی از متون دینی از جهتی مفید و از جهت دیگر مضر است. رویه مثبت آن تعامل متون و جهان‌های مذهبی با آزادی عقلانی است که گرایش‌های دو قرن نوزدهم و بیستم در اختیار می‌نهد. رویه منفی آن اما بی‌توجهی به امکانات دیگر

درنگی در مطالعات قرآنی نوین در غرب^۱

رضوان سید^۲

ترجمه: سعید زعفرانی‌زاده



۱. میراث قرون نوزدهم و بیستم میلادی

توجه اروپاییان به قرآن از قرن نوزدهم میلادی جلب نشده بلکه سابقه این امر به قرن دوازدهم میلادی می‌رسد که مطالعات با صبغه شبه‌علمی شروع شد. هدف از این فعالیت‌ها خواه ترجمه و خواه تحلیل و مقایسه، رد قرآن و اسلام و دفاع از عقاید مسیحی بود. رویکرد اصلی رقابت و دشمنی با مسلمانان و همگامی با جنگ‌های صلیبی، جنگ اسپانیا و جنگ با امپراتوری عثمانی بود.^۳

برخی از محققان نحوه تعامل اروپاییان با قرآن تا قرن هجدهم میلادی را به دو دوره اصلی تقسیم کرده‌اند:

۱. دوره قرون وسطی (قرون ۱۲ تا ۱۶ میلادی) که در آن رویکرد الهیاتی و رده‌نویسی رواج داشت.

۲. دوران نهضت روشنگری که رویکرد فراگیر و مشتمل بر روابط شرق و غرب و اسلام با مسیحیت بود.^۴

در قرن نوزدهم میلادی هدف از توجه کسانی چون آبراهام گایگر، گوستاو وایل، اشپرنگر، هرشفیلد و مویر به قرآن رد و نقض آن نبود بلکه آنان به دنبال خوانش زبان‌شناختی و تاریخی بودند که شیوه رایج در علوم انسانی در آن زمان بود.^۵ شیوه تاریخی دو ویژگی عمده داشت: یکی اینکه از ثمرات علوم انسانی در قرن هجدهم میلادی بود و دیگر آنکه مبتنی بر اثبات‌گرایی بود.^۶ به سبب همین دو ویژگی نوعی دین‌گریزی

خوانش متن از نظر متدینان بود به‌ویژه آنکه نگرش مؤمنان به متن مقدس بر ساختار، سرشت، جهان و تأویل آن تأثیر نهاده و می‌نهد. همچنین عدم ساختارمندی روش تاریخ‌گرویی موجب ناتوانی از درک زیبایی متون سرودگون و تبدیل بخش‌های انجیل یا سوره‌های قرآن به موزاییک چیده‌شده و طبقه‌بندی شده‌ای است که گاه اجزای آن ارتباطی با هم ندارد و اثری از زیبایی و فریابی در آن نیست.

به هر روی کتاب تاریخ قرآن تئودور نلدرکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰م) خاورشناس برجسته آلمانی، نقطه عطفی در مطالعات قرآنی جدید به شمار می‌آید. نسخه اولیه کتاب در سال ۱۸۵۶م در حدود ۲۰۰ صفحه نوشته شد و در دوران حیات مؤلف توسط شاگردانش توسعه یافته و نهایتاً به سه جلد رسید که جلد سوم آن در سال ۱۹۳۸م انتشار یافت. این کتاب در سال ۲۰۰۴م به عربی برگردانده شده و تاکنون به زبان دیگری برگردانده نشده است.^۷

این کتاب در شکل نهایی‌اش دارای سه بخش است: بخش نخست اصل قرآن، بخش دوم گردآوری قرآن و بخش سوم تاریخ متن قرآن. در بخش نخست نلدرکه و شاگردانش به پیامبری رسول اکرم (ص)، طرق دریافت وحی، آغاز رسالت، امیت پیامبر (ص)، ابزارهای نگارش قرآن، موازنه و چالش میان



سه تحقیق دیگر در نیمه نخست قرن بیستم به پیروی از شیوه نلدکه به‌ویژه مطالعه‌اش درباره زبان قرآن صورت گرفت. این سه تحقیق که توسط ریچارد بل بریتانیایی، رژی بلاشر فرانسوی و رودی پارت آلمانی انجام شده، نمونه‌های بارزی از شیوه تاریخ‌گروی زبان‌شناختی است. این سه تن با همین رویکرد ترجمه‌هایی جدید از قرآن به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی ارائه دادند.^۶

در پایان این مقدمه و پیش از ورود به مرحله معاصر باید اشاره کرد که مطالعات زبان‌شناختی خاورشناسان اروپایی در سه خط اصلی صورت می‌گرفت که با رویکرد سنتی اسلامی تعارض جدی ندارد. این سه خط عبارتند از:

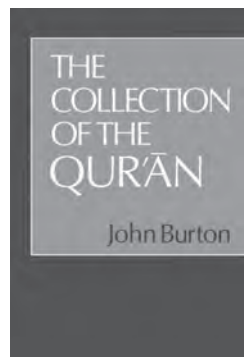
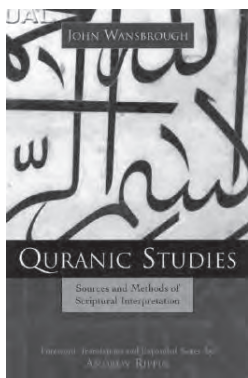
۱. مجموعه متن قرآن که امروز در دست ماست، میراث پیامبر اکرم (ص) است.
۲. قرآن بر اساس نوشته‌های کاتبان پیامبر و حافظه گروه‌های مسلمانان اولیه تدوین شده است.
۳. ترتیب فعلی سوره‌های قرآن با آنچه پیامبر مرتب کرده بود متفاوت است و گاه این تفاوت در ترتیب آیات برخی از سوره‌ها نیز وجود دارد.

۲. خوانش‌های تندروانه معاصر از قرآن

آنگلیکا نیوبرت محقق آلمانی از نظر ایجاد پیوند میان

شفاهی و کتبی و مسئله مکی و مدنی و معنا و اهمیت آن پرداخته‌اند. نلدکه به نبوت پیامبر در پرتو نبوت‌های موجود در عهد قدیم می‌نگرد، از این رو مسئله امی بودن پیامبر (ص) را می‌پذیرد چون پیامبران بنی اسرائیل نیز این گونه بوده‌اند. وی معتقد است که پیامبر اکرم از آغاز به تدوین قرآن پرداخته و به‌وسیله حافظان و از راه تلاوت‌ها و قرائت‌های شاعری به ایجاد توازن میان متن کتبی و شفاهی دست زده است. وی به بحث ترکیب سوره‌ها و واژگان برگرفته از هاگادا (و نه عهد قدیم) می‌پردازد و وحدت موضوعی میان آن‌ها را مورد پرسش قرار می‌دهد. وی اما نمی‌پرسد که اگر آیات مکی و مدنی قرآن برگرفته از عهد قدیم و هاگادا هستند چرا در اسلوب و بیشتر مضامین و حتی نگرش به جهان با این متون متفاوتند؟

نلدکه و شاگردانش در بخش دوم کتاب از گردآوری قرآن و معانی جمع دوران عثمانی سخن می‌گویند. او بیشتر روایات مسلمانان در این موضوع را نمی‌پذیرد اما جایگزینی هم برای آن‌ها ارائه نمی‌کند. وی تنها از تدوین قرآن در دوران پیامبر و ترتیب آن در مصحف در زمان عثمان سخن می‌گوید. نلدکه به بحث اسباب نزول عنایت بسیار دارد اما این مسئله در آیات مدنی که مرتبط با حوادث مغازی و جنگ‌های پیامبر است بیش از آیات مکی یاری‌رسان اوست. در بخش سوم که تاریخ متن قرآن عنوان دارد، نلدکه و شاگردانش قرائت‌های قرآنی و مسئله



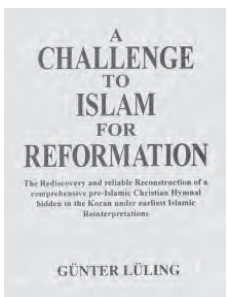
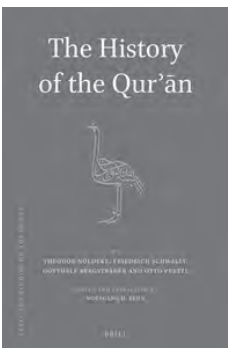
ساختار و معرفت‌شناسی در مطالعات قرآنی غربیان یگانه است. این رویکرد وی در مطالعه گسترده او درباره سوره‌های مکی در اواخر دهه ۱۹۷۰م و در مطالعات بعدی او تا امروز به‌ویژه مقالات مفصلش در دائرةالمعارف قرآن به چشم می‌خورد.^{۱۰} وی معتقد است که قرآن از آغاز متنی شفاهی و شاعری بوده که در آن مجموعه‌ای از تدوین منسجم و شفاهی‌گری مبتنی بر سنتی زنده به چشم می‌خورد. البته این رویکرد بلندپروازانه و دارای خاستگاه ادبی در میان محققان اقبالی گسترده نیافت. از دهه هشتاد قرن گذشته تا امروز دو رویکرد تندروانه درباره قرآن وجود داشته است: نخست رویکردی که به دنبال تجزیه متن قرآن از داخل بوده است و دیگری رویکردی زبان‌شناختی که در جستجوی ریشه‌های عبری یا سریانی برای قرآن بوده است؛ رویکردی که خود نلدکه در اواخر عمر از آن گذر کرد.

رویکرد تندروانه نخست:

سردمدار این رویکرد محقق بریتانیایی جان ونزبرو است که گزارش سنتی اسلامی در باب قرآن را به‌طور کامل نقض کرده است. بر پایه روایت اسلامی، قرآن در زمان عثمان بن عفان، خلیفه سوم توسط کاتبان و اصحاب پیامبر و با توجه به متون مکتوب و محفوظات صحابه در مصحفی گردآوری

حروف هفتگانه را مورد بررسی قرار می‌دهند. آنان موفق به کشف پیچیدگی‌های مسئله حروف هفتگانه نمی‌گردند اما در پیگیری قرائت‌های رسمی و شاذ فعال هستند. از میان آنان اتو پرتسل امید داشت که با گردآوری قرائت‌های شاذ و نادر به متن اصیل قرآن دست یابد اما در دهه ۱۹۴۰ م از این کار دست کشید.

چنان‌که گذشت کتاب نلدکه به دیگر زبان‌های اروپایی ترجمه نشده است.^۸ اما این کتاب تا سرآغاز دهه ۱۹۶۰م بر مطالعات قرآنی چیرگی داشت و به‌ویژه در تقسیم سوره‌های مکی به سه مرحله و تعیین ویژگی‌های سبکی هر مرحله بر محققان این حوزه تأثیرگذار بود. محققان از این نظریه وی تأثیر پذیرفتند که رسول اکرم (ص) انبیای بنی اسرائیل را الگوی خود قرار داده بود. به این سبب و از آنجا که عهدین پیش از آن به عربی ترجمه نشده بود، آن حضرت اطلاعات خود را از طریق شفاهی و در بیشتر مواقع از مطالب برساخته و تفاسیر و سخنان رایج یهودی و مسیحی دریافت می‌کرد. از این روست که در قرآن واژگان و مطالب سریانی، آرامی، حبشی و عبری بسیار دیده می‌شود. واقعیت آن است که نلدکه در سال ۱۹۱۰م مطالعه‌ای جدی درباره زبان قرآن انجام داد که ضمیمه جلد سوم کتاب او شد. این مطالعه از نظر اهمیت در کنار تقسیم‌بندی سوره مکی توسط او باید مورد بررسی قرار گیرد.



شد. بعدها فرایند نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری بر روی این متن صورت پذیرفت. به جهت دشواری‌های خط عربی و ابتدایی بودن آن باید میان این تدوین با تلاوت شفاهی مسلمانان هماهنگی ایجاد می‌شد و در نتیجه قرائات هفتگانه یا ده‌گانه پدید آمد. در قرن سوم هجری بیشتر دشواری‌های صرفی، نحوی و اسلوبی متن بر طرف شده بود.^{۱۱}

وزنبرو و به تبع او شاگردانش مایکل کوک و پاتریشیا کرونه معتقدند که پیامبر اکرم چیزی تدوین نکرد بلکه بخش‌هایی از قرآن در حافظه و نوشته‌های صحابه و تابعیان موجود بود. این بخش‌ها به صورت تدریجی مورد ویرایش و افزایش و کاهش و ضبط قرار گرفت و متن کنونی قرآن در قرن سوم هجری (نهم میلادی) به این شکل نهایی شد. وزنبرو این نظریه را به تفصیل و تأکید مطرح کرده است.^{۱۲} کارهای صورت گرفته بر روی متون عهد قدیم و جدید و آموزه‌های روش‌شناختی در این راه الهام‌بخش او بوده است.

شیوه وزنبرو از سوی بسیاری از محققان غربی به شدت مورد نقد درونی و بیرونی قرار گرفته است.^{۱۳} نقد درونی اصلی آن است که برای اثبات ادعای تغییر و ویرایش مستمر متن در طول دو قرن، لازم است نسخه‌های خطی از قطعه‌های اولیه قرآن که تغییرات در آن‌ها آشکار باشد، وجود داشته باشد. این فکر پیش از او به ذهن اتو پرتسل شاگرد نلدکه نیز خطور کرده بود. وی به

برتن، محقق برجسته دیگری در همان سال ۱۹۷۷م که وزنبرو مطالعه‌اش را ارائه کرد، کتابی تحت عنوان جمع قرآن منتشر کرد که در آن استدلال کرده بود که پیامبر خود در زمان حیات اقدام به تدوین قرآن کرد. برتن در این کتاب و نیز در مقدمه‌اش بر کتاب الناسخ و المنسوخ ابوعبید قاسم بن سلام (متوفی ۲۲۴ق) عنوان کرد که اعتقاد مسلمانان به تأخیر گردآوری قرآن تا دوران عثمان به عللی باز می‌گردد که به موضوع ناسخ و منسوخ و دیگر مسائل فقهی مرتبط است.^{۱۴} به این ترتیب، در مقابل فرضیه اولیه وزنبرو نظریه رقیبی هست که جای بحث دارد و می‌توان فرضیه بدیل را پذیرفت.

نظریه تندروانه دوم:

این نظریه قائل به بازگرداندن متن کنونی قرآن به عناصر خارجی اولیه آن است. این نظریه از سوی دو تن مطرح شده است: لولینگ و لوگزنبرگ که نامی مستعار است. لولینگ در فاصله سال‌های دهه ۱۹۷۰م تا ۲۰۰۳م چهار کتاب درباره این فرضیه نوشت.^{۱۵} بنیاد این نظریه بر آن است که سوره‌های مکی قرآن ضرورتاً پس از چهل سالگی پیامبر بر وی نازل نشده است. مسیحیت در دیگر بخش‌های شبه‌جزیره عربستان رواج داشت و در مکه نیز گروه بزرگی از مسیحیان حضور داشتند. احتمالاً کعبه در اصل کلیسا بوده است. محمد (که احتمالاً مسیحی یا از

گردآوری قرائت‌های شاذ و نادر دو قرن نخست پرداخت تا ثابت کند قرآن ترکیبی دیگر داشته که بعدها دچار تغییر شده است. نقد خارجی آن است که مسلمانان از اواخر دوران عثمان دچار اختلافی چشمگیر شدند؛ دوران خلیفه‌ای که بر اساس روایت مورد اعتماد اسلامی متن قرآن در زمان وی گرد آمد. فرقه‌های مختلف اسلامی به قدری زیاد شد که نمی‌شد اجماع آنان را بر متن رسمی در زمان حکومت اموی یا عباسی به دست آورد. همچنین می‌دانیم که شماری از غالیان قائل به نقص قرآن بوده‌اند اما قاطبه مسلمانان از نظر آنان پیروی نکردند. البته خود غالیان هم متن کنونی قرآن را نادرست ندانسته‌اند. امروز بر اساس مطالعات دقیق انجام شده می‌دانیم که آنان با اکثریت مسلمانان در تأویل و تفسیر متن قرآن اختلاف داشتند نه تحریف آن.

کوتاه سخن آنکه رسمیت یافتن متن قرآن باید پیش از ایجاد شکاف در میان مسلمانان و برآمدن فرقه‌های گوناگون صورت پذیرفته باشد، در غیر این صورت امروز با مصحف‌های متعددی روبرو بودیم. همچنان که به سبب عدم اتفاق مسیحیان اولیه بر متن عهد جدید پیش از شکل‌گیری فرقه‌های مختلف، با ده‌ها انجیل گوناگون مواجه هستیم که این اختلافات تا به امروز ادامه دارد.

از دیگر دلایل ضعف فرضیه وزنبرو آن است که جان



حنفا بوده) سرودهای مسیحی خاصی را از زبان قبطی یا حبشی به عربی زیبایی ترجمه کرده است. پس از وفات پیامبر نیز قافیه‌گذاری و سجع آن صورت پذیرفته و با افزوده‌هایی به شکل کنونی درآمده است. با کنار زدن اضافات الحاقی و پرده‌هایی که بر بخش مسیحی قرار گرفته، می‌توان به لایه‌های اصلی قرآن که قرآن نخستین (Ur-Qur'an) را تشکیل می‌دهد یا برخی اجزای آن دست یافت. البته لولینگ تلاشی برای کشف لایه مسیحی قرآن انجام نداده و فکر نمی‌کنم اصولاً چنین لایه‌ای وجود داشته باشد. به جز وجود برخی واژگان حبشی یا دارای ریشه حبشی در قرآن، به نظر نمی‌رسد پیامبر در مکه مورد احاطه مسیحیان بوده و کعبه در آغاز عبادتگاهی مسیحی بوده باشد. حقیقت آن است که مطالعات لولینگ تکرار برخی تلاش‌های مستشرقان تبشیری در اثبات این موضوع است که اسلام در شکل اولیه‌اش مسیحیتی آشکار یا نقاب‌زده بوده یا آنکه فرقه‌ای از مسیحیت بوده که در قرن چهارم میلادی در شبه‌جزیره عربستان وجود داشته با گرایش به توحید و عقایدی متفاوت با اعتقادات مسیحیان بیزانس.^{۱۶}

ریشه‌های سُریانی قرآن به ادعای لوگزنبرگ

کتاب لوگزنبرگ به‌طور کامل به تاریخ بی‌توجه بوده و بر



زبان‌شناسی تاریخی متمرکز شده است.^{۱۷} لوگزنبرگ با نظر به وجود برخی از کلمات و ترکیبات پیچیده و غریب قرآن، آن‌ها را سریانی دانسته و مدعی است که اصحاب پیامبر و مفسران معنای این عبارت را نمی‌دانسته‌اند. از این رو جملگی در تفسیر آن‌ها به خطا رفته‌اند. به‌ویژه آنکه این عبارات دچار تغییرات صرفی و نحوی هم شده است؛ از جمله کلمات تورات و برائت. مثلاً وی «حورالعین» را خوشه‌های انگور بهشتی می‌داند. البته لوگزنبرگ که قرآن یا برخی سوره‌های آن را ترجمه شده از زبان سریانی می‌داند، نتوانسته اصل سریانی ادعایی حتی یک سوره کوچک قرآن را نشان دهد. وی معتقد است که سوره علق دعوت به گرفتن قربانی مقدس دارد و سوره قدر در اشاره به تولد عیسی مسیح است. به ادعای وی واژه «قرآن» همان «قریانا» به زبان سریانی است، به معنای نسخه‌ای از ام‌الکتاب یعنی انجیل.

لوگزنبرگ مدعی است که پیامبر اکرم بی‌سواد نبوده و در میان مسیحیان آرامی رفت‌وآمد داشته و به همراه نویسندگان مسیحی در تهیه متن قرآن که از سریانی به لهجه مکئی برگردان شده مشارکت داشته است. پیامبر و اصحابش سریانی و آرامی می‌دانستند اما با وفات وی و پراکنده شدن اصحاب در سرزمین‌های فتح شده ریشه‌های اصلی قرآن به فراموشی سپرده شد و تلفظ کلمات تغییر کرد و همه چیز فراموش گشت. البته هنوز اشاره‌هایی باقی مانده که با توجه به آن‌ها به‌ویژه

دیگر هنگام برپایی حکومت فراگیر اسلامی.

مسئله در حد همین چند دیدگاه نیست بلکه نویسندگان دیگری نظیر ژیلیو، دولوا و فان‌ریت بر اندیشه شناخت ریشه‌های غیرعربی قرآن متمرکز شده‌اند.^{۲۰} آنان به موضوع ریشه‌های سریانی و نیز جماعت‌های دینی ناشناس در مکه و شبه‌جزیره عربستان همچون مانویان و مندائی‌ها پرداخته‌اند. انگلیکا نویورت نیز که زمانی دراز درباره ساختار و اسلوب قرآن و جهان‌اندیشگی و نگاه این کتاب به جهان تحقیق کرده است، قائل به ریشه‌های انجیلی برای قرآن است چه آنکه محققان پیشین جملگی به واژگان و ترکیب‌های پیچیده پرداخته‌اند که برای دریافت معنای آن‌ها باید ریشه‌های غیرعربی برایشان در نظر گرفت؛ کلماتی همچون صابنه، حنیف، امی، اهل‌الکتاب بنی‌اسرائیل، نصارا، مجوس، اهل‌الانجیل، الذین هادوا، تورات، انجیل، زبور و صُحُف.

چند سال پیش نیز کنفرانسی درباره زمینه‌های مسیحی قرآن برگزار شد که ده‌ها تن از محققان تازه‌کار در آن شرکت داشتند و بیشتر آنان برای فهم برخی قصص قرآنی به مطالعات قرون نوزدهم و بیستم میلادی مراجعه کرده بودند. بسیاری نیز به مطالعه محیط مکه که قرآن در آن ظهور کرده و محیط مدینه که مسلمانان در آن در مجاورت یهودیان بودند، پرداخته بودند.^{۲۱}



در سوره‌های مکئی می‌توان آیات و سوره‌ها را به اصل خود باز گرداند.

گرهارد باورینگ به این مطلب اشارت داده که تلاش لوگزنبرگ در اصل مبتنی بر اقدام ژوزف قزی لبنانی است^{۱۸} که چند کتاب به عربی نوشته و معتقد است که قرآن ریشه یهودی-مسیحی یا آنچه به مذهب ایبونی نامدار است دارد؛ امری که لولینگ نیز قبلاً بدان اشاره کرده بود.^{۱۹} تور آندره، ریچارد بل و اسپنسر ترمینگهام نیز به ایبونی‌ها اشاره کرده بودند که گروهی از مسیحیان نخستین بودند که زمانی برآمدند که هنوز مسیحیت آمیخته با یهودیت بود. از جمله افراد این فرقه که در قرن ششم میلادی در مکه حضور داشتند ورقه بن نوفل و خدیجه بنت خویلد بودند. ورقه به دنبال جانشینی دینی محمد بود اما با هجرت محمد به مدینه این طرح رها شد. تفاوت میان قرآن محمد با مصحف عثمانی، تفاوت متن دینی گروه ایبونی مکه با کتاب مقدس امپراتوری جدید است. در حالی که لوگزنبرگ فقط به مطالعات زبان‌شناسی تاریخی استناد می‌کند، قزی به دنبال برساختن تاریخی کامل است که کسی جز او از آن اطلاع ندارد. اما هر دو به این نتیجه مشابه می‌رسند که قرآن از اصل سریانی به لهجه مکئی ترجمه شده است. معنای این کتاب نیز با درگذشت قاریان آن ناشناخته مانده چه آنکه این کتاب دو بار دست‌خوش تغییر شده: یک بار هنگام هجرت به مدینه و بار

به این ترتیب سنگی که ونزبرو در برکه نسبتاً آرام مطالعات قرآنی پرتاب کرد، موجب پیدایی حرکت‌ها و جنبش‌هایی شده که موج ریشه سریانی داشتن قرآن و تأثیر محیط قرن هفتم شبه‌جزیره عربستان از پیامدهای آن است. کوتاه سخن آنکه بیشتر محققان اروپایی و امریکایی در طی قرن‌ها نتوانسته‌اند از گرداب اصل مسیحی یا یهودی قائل شدن برای قرآن رهایی یابند. آنان منطبق قرآن را نمی‌پذیرند که شبهات میان متون دینی را به یگانگی ادیان با وجود تعدد شریعت‌ها و پیامبران ارجاع می‌دهد. آنچه در دو دهه اخیر رخ داده آن است که آنان به این باور گراییده‌اند که این اقتباس نه به شکل فرهنگی یا دینی در قصص و اعمال عبادی و اندیشه‌های اصلی که شاید استنساخ یا ترجمه یا چیزی شبیه به این دو است. به این ترتیب بار دیگر تلاشی نافرجام را آغاز کرده‌اند که گام معتبری در مطالعه ساختار و اسلوب قرآن و محیط تاریخی آن به پیش نمی‌برد.

در این اوضاع و احوال بود که دایرةالمعارف قرآن در پنج جلد در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶م از سوی انتشارات بریل انتشار یافت. مطالب قرآنی ویرایش دوم دایرةالمعارف اسلام (۲۰۱۱م) مبتنی بر دوپست‌وپنجاه سال فعالیت گسترده بود که روش تاریخ‌گروانه با برخی گرایش‌های معرفت‌شناسی جدید بر آن غلبه داشت. اما مطالب دایرةالمعارف قرآن میان قدیم‌ترین تحقیقات و جدیدترین دستاوردها در نوسان است. این به دلیل



ضربه‌هایی است که رویکردهای تندروانه و متمایل به نقد ریشه‌ای در سه دهه اخیر بر پیکر مطالعات اسلامی به‌طور عام و مطالعات قرآنی به‌طور خاص وارد آورده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مشخصات کتاب شناختی این مقاله بدین شرح است: رضوان السید، «نظرة فی بعض جوانب الدراسات القرآنیة الحديثة و المعاصرة فی الغرب»، المناهج الحديثة فی الدرس القرآنی، بیروت: مدارک ۲۰۱۱.
۲. استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه لبنان
۳. نک. ریچارد سودرن، صورة الاسلام فی أوروبا فی العصور الوسطی، ترجمه و تقدیم رضوان السید، دارالمدار الاسلامی، بیروت ۲۰۰۶، ص ۱۱۵-155 N. Daniel, Islam and the west: the making of an image, 1966, pp. 138-196.

۴. نک. لودویگ هاگمن، مسیحیة ضد الاسلام، ترجمه محمد جدید، دمشق ۲۰۰۴، ص ۲۱۶-۲۲۷ و نیز مطالعه قدیم‌تر او درباره ترجمه قرآن نیکولوس فوس کیس در دوران قرون وسطی (۱۹۷۶م):

Hartmant bobzin, Der Koran im zeitalter der reformation, Beirut 1995.

۵. یوهان فکه تاریخ حركة الاستشراق، ترجمه عمر لطفی العالم، دارالمدار الاسلامی، بیروت ۲۰۰۰، ص ۱۷۵-۱۸۳؛ رودی پارت، الدراسات العربیة و الاسلامیة فی الجامعات الالمانیة، ترجمه مصطفی ماهر، قاهره ۱۹۶۷، ص ۱۲-۱۵؛ محمد حسین الصغیر، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، بیروت ۱۹۸۳، ص ۲۷-۳۳.

۶. درباره تاریخ‌گرایی نک. F. Meine, Die Entstehungdes



و ی تحقیقاتی در باب موضوعات قرآنی دارد، از جمله درباره سوره یوسف، سجع در سبک قرآن، انسان‌شناسی در قرآن، قرآن به مثابه متنی شفاهی و درباره سرآغاز سوره های مکی.

۱۱. نک. عبدالصبور شاهین، تاریخ القرآن، قاهره ۱۹۶۶؛

C.H.M. Versteegh, Arabic Grammar and Qur'anic Exegesis in Early Islam, 1993.

12. J. Wansbrough, Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation, 1977.

مایکل کوک و پاتریشیا کرونه در این کتاب نظریه ونزبرو را به‌طور افراطی به‌کار بسته‌اند:

Hagarism: the Making of Islamic World, 1983.

ونزبرو کتاب دیگری دارد با عنوان:

Sectarian Milieu, 1979.

۱۳. برای نمونه نک.

H. Motzki, "The Collection of the Qur'an: A Reconsideration of Western views in light of recent methodological developments", Der Islam 78 (2001), pp. 1-34, Versteegh, op.cit.

14. J. Burton, The Collection of the Qur'an, 1977.

۱۵. اولین کتاب او قرآن نخستین (۱۹۷۴م) بود و پس از آن مقدسات مسیحی در کعبه پیش از اسلام (۱۹۷۷م) و هم‌اوردطلبی اسلام برای اصلاح: کشف دعا‌های مسیحی نخستین در تفاسیر اولیه اسلامی (۲۰۰۳ م) را منتشر کرد.

۱۶. کسانی همچون هانزی لامنس و ناو و تور آندره‌آ و هنینگر.

17. C. Luxenberg, Die Syro-aramaische Lesart des Koran, 2004.

و ی مقالاتی نیز درباره لیل‌القدر و میلاد در قرآن دارد.

18. Gerhard Böwering, "Recent Research on the Construction of the Qur'an", in: G.S. Reynolds, ed., The Qur'an in Its Historical Context, 2008, pp. 70-87.

۱۹. مقصود باورینگ دو کتاب منتشر شده به نام ابوموسی حریری است با عناوین نبی الرحمة (۱۹۹۰م) و قس و نبی (۱۹۹۱م). من تحقیق منتشرشده‌ای درباره این دو کتاب و نظایر آن‌ها دارم که در دوران جنگ داخلی لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰م) نوشته شده با عنوان: جدال مسیحی ضد الاسلام فی الحرب الأهلیة فی لبنان. همچنان‌که روشن است ابوموسی حریری همان ژوزف قزی است. آشکار است که لوگزنبرگ نیز همان افرام ملکی، لبنانی سریانی‌الاصل است. شخص سومی نیز هست که نام ابن‌وزراق بر خود نهاده و در سال‌های اخیر، اندیشه ترجمه‌بودن قرآن به عربی را دنبال می‌کند. باورینگ در مقاله پیش‌گفته اشارت داده که این اندیشه که اصل قرآن آرامی و یهودی - مسیحی است، اندیشه‌ای کهن است. نیز نک.

A. Schlatter, "Die Entwicklung des jüdischen christentums zum Islam", Evangelische Missionsmagazin 62 (1918), 251-264.

۲۰. از این نوشته‌ها جز اثر دبولوا را نخوانده‌ام و با سایر کتاب‌ها و مقالات نیز از طریق مقاله پیش‌گفته باورینگ آشنایی دارم.

۲۱. درباره این کنفرانس نک. معرفی سامر رشوانی در روزنامه الحیات ۱۶/۷/۲۰۰۵، ص ۱۵.

Historismus, munchen ۱۹۶۵ و درباره تاریخ‌گرایی در مطالعات اسلامی نک. بار یوهانس، «الدراسات الاسلامیة: الشروط الفكریة و السیاسیة لفرع معرفي»، تأملات فی الشرق، تقالید الاستشراق الفرنسی و الالمانی و حاضر، چاپ یوسف کرباج و مانفرد کروب، دار قدمس ۲۰۰۶، ص ۴۷-۵۵.

7. Theodor Nöldeke, Geschichte des Qorans, Leipzig 1909, 1919, 1938;

تیودور نولدکه، تاریخ القرآن، ترجمه جرج تامر، دار نشر جورج المیز، ۲۰۰۴. برای معرفی کوتاهی از کتاب و ترجمه عربی آن نک. رضوان السید، «ترجمه عربیة لکتاب نولدکه عن القرآن»، مجلة التسامح، سال دوم، ش ۸ پاییز ۲۰۰۴، ص ۲۸۶-۲۹۰. و برای ارزیابی دستاوردهای نولدکه در این کتاب نک.

R. Paret, Mohammed und der Koran, Stuttgart 1957, pp. 80-85

و محمد حسین الصغیر، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، ص ۲۸-۳۰.
۸. توضیح مترجم: اخیراً ترجمه انگلیسی تاریخ قرآن نولدکه با مشخصات کتاب‌شناختی زیر منتشر شده است:

Theodor Nöldeke, Friedrich Schwally, Gotthelf Bergsträßer and Otto Pretzl, The History of the Qur'an, edited and translated by Wolfgang H. Behn, Leiden 2013.

9. W.M. Watt, Bell's Introduction to the Qur'an, 1970; R. Blachère, Introduction du coran, 1947; R. Paret, Mohammed und der Koran, 1957.

10. Angelika Neuwirth, Studien zur Komposition der Mekkanischen Suren, Berlin 1981.

